

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۱۱ دی ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۴۰ - شماره مسلسل ۸۷

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to Form Workers Organization

در این شماره:

- ۲ کشتار و دستگیری معترضان به بربریت سرمایه را محکوم می کنیم
- ۲ دو راهکار الزامی سرمایه برای خروج از بحران
- ۴ بیش از ۵۲ هزار کارگر عسلیویه اخراج شده اند
- ۴ کشتار وحشیانه‌ی مردم محکوم است!
- ۴ مصادره ۴ ماه حقوق کارگران بیمارستان رامتین توسط دولت
- ۵ اعتصاب کارگران کارخانه فولاد پاکستان
- ۵ گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی از یک شنبه خونین تهران
- ۶ شورش مردم سیرجان علیه مجازات اعدام
- ۶ تعویق دستمزد کارگران در کارخانه آزمایش
- ۶ تظاهرات اعتراضی همسران کارگران شرکت صنایع اراک
- ۶ دو خبر تحلیلی از «گروهی از فعالان ضدسرمایه داری گیلان»



مشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید. صفحه ۸

کشتار و دستگیری معترضان به بربریت سرمایه را محکوم می‌کنیم

شدت جراحت زخمی شدگان به حدی است که بسیاری از آنان در معرض خطر نقص عضو و حتی مرگ قرار دارند. ما همه این جنایات دولت سرمایه داری را محکوم می‌کنیم، خواستار مجازات آمران و عاملان این کشتارها و ضرب و شتم ها و بازداشت ها هستیم، بر تضمین جان و مداوای تمامی مجروحان تأکید می‌ورزیم و آزادی بی قید و شرط و فوری تمام دستگیرشدگان را مطالبه می‌کنیم. آزادی اعتراض و راه پیمایی و تظاهرات علیه نظام سرمایه داری حاکم حق مسلم و بی چون و چرای تمام آحاد جامعه است.

۷ دی ۸۸

روز یکشنبه ششم دی ۸۸ تظاهرات اعتراضی صدها هزار انسان عاصی و به جان آمده از جنایات سرمایه در خیابان های تهران و سایر شهرها به خاک و خون کشیده شد. بر اساس اخبار رسیده تا لحظه حاضر بیش از ۱۰ نفر در تهران و ۲ نفر در شهر نجف آباد جان خویش را از دست داده اند. ده ها نفر جراحات سخت برداشته و در منازل یا بیمارستان ها بستری شده و صدها نفر بازداشت شده اند و موج بازداشت ها همچنان ادامه دارد. سرکوبگران مطابق معمول در کشتن و سر به نیست کردن مردم معترض از راه های مختلف اعم از شلیک مستقیم گلوله، وارد کردن ضربه مغزی با باتوم و چوب، پرتاب کردن از بلندی، زیر گرفتن با وسیله نقلیه و راه های دیگر هیچ تردیدی به خود راه نمی دهند.

دو راهکار الزامی سرمایه برای خروج از بحران

است. وقتی که قیمت کالاها اساسی مثل گوشت مرغ، گوشت قرمز، تخم مرغ، میوه و سبزی تازه، چای و قند و شکر تنها طی یک هفته تا ۲۳/۹ درصد افزایش یافته و این روند افزایشی هفته ای پس از هفته دیگر ادامه داشته است، حساب کنید اگر طبق این لایحه یارانه های دولتی مربوط به آب و برق و گاز و بنزین و آرد و نان برداشته شود یا حتی کاهش یابد، آن وقت چه خواهد شد؟ اضافه کنیم که قطع یارانه های کالاها اساسی فقط به معنی گران شدن خود آن کالاها نیست بلکه قیمت همه کالاها را بالا می برد.

طبق برآوردهای رسمی، هزینه متوسط خانوار شهری در پایان سال ۸۷ بالغ بر ۸۸۹ هزار تومان بوده است که با اجرا شدن این لایحه به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد رسید. باید توجه کرد که آمار رسمی تنها برای بزرگ کردن واقیعات هولناک جامعه ارائه می شود. اما حتی اگر این آمار را هم بپذیریم معنی آن این است که با اجرا شدن این لایحه طی شش ماه آینده خط فقر بیش از ۶ برابر حداقل مزد کنونی کارگر خواهد بود. و این یعنی مرگ بیش از ۵۰ میلیون کارگر بر اثر گرسنگی مطلق. باز هم مطابق آمارهای رسمی، کمیته امداد و بهزیستی ۱۲ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده اند که به طور متوسط ماهانه بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان مستمری دریافت می کنند و این مستمری بگیران اغلب زنان سرپرست خانوار هستند. حال تصور کنید ۱۲ میلیون خانواده ای که ماهی ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان درآمد دارند چه طور باید از پس حداقل هزینه های زندگی، که به گفته همین مسئولان بالغ بر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد شد، برآیند. فاصله عمیق درآمد چنین خانواده هایی با خط فقر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی دره هولناکی است که پرتاب شدن به اعماق آن چیزی جز مرگ و نابودی این میلیون ها خانواده که عمدتاً از زنان و کودکان تشکیل می شوند، نخواهد بود. چنین خانواده هایی حتی نخواهند توانست با نان خالی شکم خود را سیر کنند. به گزارش واحد مرکزی خبر، در طی روز های آخر مهر ماه نان لواش ۵۰ درصد گران شده است و نان سنگک از ۳۰۰ تومان به ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان رسیده است. نان بربری از ۱۰۰ و ۱۵۰ تومان به ۳۰۰ و ۳۵۰ تومان رسیده است. هم اکنون آرد دولتی در بسیاری از نانوایی ها قطع شده و در این نانوایی ها نان با آرد به نرخ آزاد پخته می شود. از همین الان می بینیم که نرخ نان سنگک در نانوایی های آزاد پز برخی شهرها به هزار تومان رسیده است. همین امر موجب تجمع مردم در مقابل نانوایی هایی شده که هنوز با نرخ آرد دولتی نان می پزند. حالا همین نان هم از مردم گرفته خواهد شد. همین الان اگر یک خانواده پنج نفری کارگری بخواهد برای یک وعده غذا فقط نان و پنیر بخورد، با پنیر کیلویی ۷ تا ۸ هزار تومان یک وعده نان و پنیر خشک و خالی برایش حدود ۵۰۰۰ تومان هزینه برخواهد داشت. با هزینه های یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی، کارگری که در بهترین حالت حداقل مزد قانونی خود یعنی ماهانه ۲۶۴۰۰۰ تومان را، آن هم بدون عقب افتادن چهار ماه و پنج ماه و یک

«این مقاله قبلاً در شماره ۸۲ همین خبرنامه منتشر شده است»

زمانی که خمینی در سخنرانی خود در بهشت زهرا در بهمن ۱۳۵۷ از جمله وعده داد که آب و برق و... مجانی می شود، در واقع تحقق یکی از مطالبات پایه ای را وعده می داد که کارگران و مردم فرودست برای آن ها علیه نظام سرمایه داری و دولت شاهنشاهی مدافع آن به پا خاسته و سینه های خود را سپر گلوله کرده بودند. بسیاری از این مطالبات مانند بهداشت و درمان رایگان، آموزش و پرورش رایگان و همچنین آزادی های سیاسی از جمله آزادی تجمع و تشکل و تظاهرات و مطبوعات و امثال آن ها از چنان اهمیتی برای مردم انقلابی برخوردار بود که دولت به قدرت رسیده جمهوری اسلامی ناچار شد معنودی از آن ها را - آن هم به صورت الکن و دست و پا شکسته و با اما و اگر بسیار - در قانون اساسی بگنجاند. اکنون پس از گذشت بیش از سی سال از انقلاب ۵۷ نه تنها حتی همین اصول دست و پا شکسته قانون اساسی به اجرا در نیامده است، نه تنها هرگونه مطالبه آن ها با سرکوب خونین و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ گرفته است و می گیرد، بلکه دولت «عدالت پرور» احمدی نژاد با ارائه لایحه «هدفمند کردن یارانه ها» و مجلس «اصول گرا» با تصویب کلیات آن می خواهند حتی یارانه های کالاها اساسی مثل آب و برق و گاز و نفت و بنزین و آرد و نان و... را هم قطع کنند یا کاهش دهند. البته دولت مدعی است که هیچ یارانه ای قطع نخواهد شد بلکه یارانه ها فقط «نقدی» خواهند شد. اما اولاً مردم در بسیاری جاها شاهد گران شدن قیمت نان در نتیجه قطع یارانه آرد هستند و، ثانیاً، خود دولت اعلام کرده است که درآمد دولت از اجرای لایحه فوق ۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود که فقط ۱۰ هزار میلیارد تومان آن به صورت نقدی به مردم داده خواهد شد، که معنای ساده آن این است که با اجرای این لایحه حداقل ۱۰ هزار میلیارد تومان از جیب مردم به خزانه دولت ریخته خواهد شد. یعنی اگر اکنون هر فردی به عنوان مثال ماهانه مبلغ ۴۰ هزار تومان از یارانه استفاده می کند، با اجرای لایحه فوق این مبلغ به ۲۰ هزار تومان کاهش خواهد یافت. و این تازه در صورتی است که یارانه ها به طور کامل قطع نشوند و فقط کاهش یابند. ارقام و آمارهای رسمی خود دولت حاکی از آن است که اجرای این لایحه موجب رشد تورم ناگهانی ۶۰ تا ۷۵ درصدی خواهد شد و این به معنی چندین برابر شدن قیمت کالاها و خدمات اساسی در صورت اجرای این لایحه است. حتی هم اکنون نیز، با آن که این لایحه هنوز اجرا نشده است، هر روز بیش از پیش شاهد افزایش افسارگسیخته رشد تورم و بالارفتن قیمت کالاها ی اساسی هستیم، به طوری که مطابق گزارش بانک مرکزی در سه هفته پایانی مهر ماه امسال قیمت شش گروه از یازده گروه کالاها ی اساسی برای سومین هفته پی در پی افزایش داشته است. به گزارش بانک مرکزی، قیمت کالاها ی اساسی در آخرین هفته منتهی به آبان ماه نسبت به هفته قبل از آن تا ۲۳/۹ درصد افزایش داشته

سال ، دریافت کند چه طور می تواند شکم خود و خانواده اش را سیر کند و سرنوشت زندگی او و فرزندانش چه خواهد شد که درآمد ماهانه اش اگر بیکار نباشد و حداقل مزد قانونی اش را هم بگیرد ۶ برابر زیر خط فقر قرار دارد؟

علی ابراهیمی ، معاون آموزشی نهضت سواد آموزی، گفته است که بر اساس سرشماری سال ۸۵ ، ۳۴۸ هزار کودک شش تا نه ساله و ۲۶۳ هزار نوجوان ۱۰ تا ۱۶ ساله از تحصیل بازمانده اند. او اعلام کرده که در طی ۱۰ سال اخیر یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک لازم التعلیم به مدرسه نرفته اند(سرمایه، ۲۹ مهر). مسلماً این کودکان برای تامین مخارج خانواده خود راهی بازار کار شده اند. از طرف دیگر، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرده که میزان سرقت در تهران در شش ماه گذشته نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۳ درصد افزایش داشته است(همان جا). روزنامه حیات نو در شماره چهارشنبه ۲۰ آبان ماه خود گزارشی از مرگ دلخراش یکی از همین انسان ها را نوشته است با عنوان "سارق کابل ها را برق گرفت". این به اصطلاح سارق مردی ۳۶ ساله بود که همسرش شب قبل از حادثه در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفته بود. او که تا ساعت ۱۲ شب نزد همسرش بوده ناتوان و درمانده از پرداخت پول عمل جراحی همسرش سراغ یکی از دوستانش می رود و از او می خواهد که جایی را برای سرقت کابل برق به او نشان بدهد و به او کمک کند تا این کار را بکند و از همان اول هم با او طی کرده که هیچ پولی به او و بقیه کسانی که به او کمک کنند نخواهد داد. همدست این "سارق" نزد پلیس اعتراف کرده که چون او واقعاً به پول نیاز داشت، من و دو نفر دیگر از دوستان قبول کردیم که به او کمک کنیم. اما ساعت یک بامداد، هنگام "سرفت"، او که در حال قطع سیم های برق بود ناگهان دچار برق گرفتگی شد و به پایین سقوط کرد. این انسان درمانده از تهیه پول جراحی همسرش پس از یک هفته که در حالت کما به سر برده تسلیم مرگ شده است، در حالی که پلیس کنار تخت او در بیمارستان ایستاده بود تا به محض به هوش آمدن او را به سیاه چال زندان بیاورد ، و همسرش روی تخت بیمارستان دیگری در انتظار بود که نان آور خانواده اش بازگردد و هزینه جراحی اش را بپردازد. چنین است سرنوشت میلیون ها کارگری که در کف خیابان ها سینه های خود را سپر گلوله کردند به امید آن که بهداشت و دارو و درمان رایگان شود، آب و برق مجانی شود و ...

این کارگر درمانده حتی اگر نمی مرد حتماً دستگیر و زندانی می شد. و این در حالی است که او و همسرش از ثروتی که میلیون ها کارگر در این کشور تولید کرده اند و می کنند سهمی داشتند و نیازی نبود که او برای پرداخت هزینه جراحی همسرش دست به سرقت بزند. بی تردید، سرقت راه بازپسگیری این سهم نیست. اما دولت ایران با کارگرانی نیز که با اعتراض های قانونی و مسالمت آمیز از حقوق خودشان دفاع می کنند و مطالبات خود را در اعتراض ها ، تجمع ها و تظاهرات پیگیری می کنند نیز مثل دزد و سارق برخورد می کند. کارگران لوله سازی اهواز را که حقوق معوقه شان را طلب می کنند به باد کتک و باتوم می گیرد و فعالانشان را دستگیر و زندانی می کند. کارگران نیشکر هفت تپه را که بارها خود و خانواده هایشان را در تجمعات اعتراضی مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار داده بود، به زندان محکوم می کند و به سیاه چال می اندازد، همین طور بسیاری دیگر از جمله کارگران شرکت واحد، معلمان و سرانجام انبوه جوانان بیکار معترضی که در جریان اعتراض های میلیونی اخیر کتک خوردند و به گلوله بسته شدند یا در زندان ها وحشیانه مورد شکنجه و تجاوزجنسی قرار گرفتند و کشته شدند.

به این ترتیب، نظام حاکم فقط فقر و سرقت و فحشا و اعتیاد را بازتولید نمی کند. سرکوب خونین اعتراض های میلیونی را نیز بازتولید می کند، اعتراض هایی که علتش عدم تحقق همان مطالباتی است که مردم سی سال پیش به خاطرش انقلاب کردند. اما پرسش مهمی که در اینجا مطرح می شود این است : با توجه به این که دولت مخاطب این اعتراض ها قاعدتاً برای خلاصی از چنگ مردم معترض

باید به اصلاحات یا دست کم دادن برخی امتیازات به مردم معترض متوسل شود، چرا نه تنها این کار را نمی کند بلکه از یک سو بر شدت سرکوب می افزاید و از سوی دیگر با قطع یارانه کالاهای اساسی از جیب مردم می زند و به خزانه دولت می ریزد و بدین سان به اعتراض و ناراضیاتی مردم دامن می زند؟ پاسخ این پرسش در یک کلام آن است که دولت جمهوری اسلامی هیچ چاره ای جز این کار ندارد. اما این پاسخ طبعاً به توضیح نیاز دارد، توضیحی که نشان دهد طبقه کارگر در مبارزه اش - حتی برای گرفتن حقوق معوقه - باید نوک نیز حمله اش را روی چه عملی بگذارد.

در جامعه ایران، مثل تمام جوامع کنونی دنیا، رابطه اجتماعی بین انسان ها رابطه خرید و فروش نیروی کار است. یعنی اکثریت عظیم انسان های جامعه برای زندگی کردن و زنده ماندن مجبورند نیروی کارشان را به اقلیتی از جامعه بفروشند که مالک وسایل تولید هستند و از طریق دولت کل جامعه را به سود خود اداره می کنند. مالکان وسایل تولید یا سرمایه داران - اعم از خصوصی و دولتی - نیروی کار اکثریت افراد جامعه یعنی کارگران را برای آن می خرند که با مصرفش ارزشی بیش از آنچه صرفش کرده اند (دستمزد یا بهای نیروی کار) از آن بیرون بکشند. مایه حیات جامعه سرمایه داری همین ارزش اضافی یا سودی است که از تن و جان کارگر بیرون کشیده می شود و به جیب سرمایه دار سرازیر می شود. اما سود فقط صرف زندگی مجلل و مرفه و بریز و بپاش سرمایه دار نمی شود. کارکرد اصلی سود این است که سرمایه قبلی را هرچه بیشتر و فربه تر کند تا بتواند همچنان به سودآوری و چرخه ارزش افزای خود ادامه دهد. هر زمان که سود تولید شده به هر دلیل نتواند نیازهای این انباشت پیوسته فزاینده سرمایه را تامین کند، جامعه سرمایه داری دچار بحران می شود. در چنین شرایطی، طبقه سرمایه دار از طریق دولت خود دست به هرکاری می زند تا سود لازم را برای انباشت خود تامین کند. عمده ترین و اصلی ترین کارهای دولت سرمایه داری در اوضاع بحرانی، تشدید استثمار و سرکوب و اعمال فشار بیش از پیش بر طبقه کارگر است. از یک سو، به سفره تقریباً خالی کارگران هجوم می برد تا آخرین ته مانده های آن را غارت کند و سود لازم برای انباشت سرمایه و همچنین هزینه های نظامی - اداری دولت را به لحاظ اقتصادی تامین کند. از سوی دیگر، بر شدت سرکوب خود می افزاید تا در اوضاع بحرانی هرگونه اعتراض کارگران و مردم فرودست به تنزل سطح زندگی را در نطفه خفه کند و بدین سان با پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و حتی تعویق طولانی مدت آن ها تداوم انباشت سرمایه را به لحاظ سیاسی تضمین کند. نظام سرمایه داری ایران و دولت پاسدار آن اکنون در چنین وضعیتی قرار دارند. از یک سو، با وجود تشدید استثمار کشنده و جهمی آن و با وجود سر به فلک کشیدن سرمایه ها، سود لازم برای انباشت این سرمایه ها تامین نمی شود و، به همین دلیل، نظام مجبور است برای ارضای اشتهای سیری ناپذیر این سرمایه ها در بلعیدن سود هرچه بیشتر و نیز تامین هزینه های سرسام آور ماشین غول پیکر دولت به سطح معیشت زندگی کارگران حمله کند و آن را بیش از پیش تنزل دهد. از سوی دیگر، مجبور است در راستای سیاست فوق هرگونه اعتراض به این تنزل دم افزون سطح زندگی و هرگونه مطالبه آزادی های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را - که در بحران سیاسی جاری اوج گرفته است - سرکوب کند و به خون بکشد. یک عامل دیگر را باید به این اجبار دوسویه افزود و آن الزام تامین نیازهای سرمایه جهانی توسط رژیم حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی وام های کلانی از نهادهای پولی سرمایه جهانی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دریافت کرده است. دریافت این وام ها و نیز عضویت دائم در دیگر نهادهای سرمایه جهانی از قبیل سازمان تجارت جهانی مشروط بوده است به حذف یارانه ها بی آن که باعث گران شدن بهای نیروی کار یعنی افزایش دستمزدها شود. و این دقیقاً همان کاری است که جمهوری اسلامی کرده است و می کند و در آینده خواهد کرد. به این معناست که می گوئیم رژیم هیچ چاره ای جز تحمیل بیش از پیش فشار اقتصادی از یک سو و تشدید سرکوب و خفقان از

سوی دیگر ندارد. این حکم نه فقط در مورد دولت احمدی نژاد بلکه در مورد هر دولت دیگری که بخواهد سرمایه داری ایران را از گرداب بحران نجات دهد صادق است. به همین دلیل، طبقه کارگر باید نوک تیز مبارزه خود را نه فقط روی این یا آن دولت خاص پاسدار نظام سرمایه داری بلکه روی کل این نظام بگذارد.

آیا جمهوری اسلامی با اتخاذ این دو راهکار یعنی تنزل سطح زندگی کارگران و تشدید سرکوب و خفقان موفق خواهد شد از این بحران های اقتصادی و سیاسی بیرون آید؟ بستگی به طبقه کارگر دارد. بستگی به این دارد که آیا کارگران به این خودآگاهی می رسند که مادر تمام مصائب تحمیل شده بر اکثریت افراد جامعه یعنی ام الفساد واقعی جامعه رابطه اجتماعی سرمایه است. بستگی به این دارد که آیا کارگران پی می برند که کوهساران ثروتی که تولید کرده اند و می کنند به جای آن که صرف آب و برق و گاز و بنزین و مسکن مجانی و درمان و دارو و

آموزش و حمل و نقل رایگان و... شود به حقوق سرمایه و دولت پاسدار آن ریخته می شود تا هم سودآوری سرمایه تامین شود و هم ماشین سرکوبش بتواند سرپا بماند و خون بریزد. بستگی به این دارد که آیا کارگران می توانند حول منشور مطالبات پایه ای خود متحد شوند و شوراها قدرتمند ضد سرمایه داری خود را ایجاد کنند. و بالاخره بستگی به این دارد که آیا کارگران می توانند با تکیه بر نیروی این شوراها قدرت سیاسی را به چنگ آورند و در گام نخست کل مطالبات پایه ای طبقه خود را متحقق کنند.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲ آذر ۱۳۸۸

بیش از ۵۲ هزار کارگر عسلیوه اخراج شده اند

صورت سرمایه های راکد و آزاد و خارج از مدار ارزش افزایی در آمده است. نتیجه مستقیم آنچه روی داده برای ده ها هزار کارگر و خانواده های آن ها خانه خرابی های بسیار دهشتناک است. ۵۲ هزار کارگر کار خویش را از دست داده اند. این جمعیت انبوه که با شمار خانواده هایشان سر به چند صد هزار انسان می زنند امروز همگی گرسنه و فاقد هر نوع ممر معیشتی هستند.

منبع: ایلنا

۹ دی ۸۸

اقتصادی بین المللی ایران توسط دولت های بزرگ سرمایه داری از سوی دیگر دست به دست هم دادند و این پروژه ها را یکی پس از دیگری به ورطه تعطیل فرو راندند. کاهش بسیار چشمگیر سرمایه ها و اضافه ارزش های نفتی ضربات مهلکی بر پیکر طرح ها وارد ساخت. آنچه تا دیروز به دولت احمدی نژاد مجال می داد تا با علم کردن آن به صورت دستاوردهای عظیم اقتصادی دنیایی عوام فریبی کند و رطب و یابس به هم بیافد اینک بیشتر به ویرانه ای می ماند که میلیاردها میلیارد تومان حاصل استثمار کارگران در آنجا مدفون شده و به

چند سال پیش حدود ۶۰ هزار کارگر در فازهای مختلف تولید گاز در منطقه عسلیوه کار می کردند و در مرگبارترین شرایط استثمار می شدند. طرح های مختلف اکتشاف و بهره برداری گاز در این مجتمع عظیم صنعتی از جمله مهم ترین پروژه های اقتصادی چند سال اخیر دولت سرمایه داری بود. شرکت های داخلی و به ویژه خارجی بسیار زیادی در اینجا مشغول مکیدن خون کارگران بودند. هر کدام سرمایه گذاری های انبوهی داشتند و کارگران بسیار زیادی را استثمار می کردند. طغیان موج بحران اقتصادی سرمایه از یک سو و تحریم های

کشتار وحشیانه ی مردم محکوم است !

این کشتار را محکوم می کند و خواهان رسیدگی به این جنایت و آزادی فوری صدها بازداشت شده است.

کانون نویسندگان ایران

۸ دی ماه ۱۳۸۸

در روزهای پنجم و ششم دی ماه («تاسوعا و عاشورا») حاکمیت که برای حل بحران فراگیر خود، مانند همیشه، پاسخی جز سرکوب و اعدام و سنگسار ندارد مردم معترضی را که درخواستی جز آزادی ندارند به خاک و خون کشید.

کانون نویسندگان ایران، که بنا بر منشور خود وظیفه ی خود را دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان و قلم و اندیشه بی هیچ حصر و استثناء برای همگان می داند،

مصادره ۴ ماه حقوق کارگران بیمارستان رامتین توسط دولت

خود نشده اند و درد و رنج های دیگر که آنان و خانواده هایشان را سخت آزار می دهد. کارگران خواستار پرداخت فوری و بی قید و شرط دستمزدهای خود هستند.

۷ دی ۸۸

درمانی و فعالیت های بیمارستان نیز اخلاص می کند. پذیرش بیماران را ممنوع کرده است. از ۶۰ تخت بیمارستان فقط دوتای آن در معرض استفاده است و بقیه تخت ها مدت ها است که به صورت بی استفاده در آمده اند. ۱۲۰ کارگر درمان در طول این ۴ ماه با انبوهی از مصائب مواجه بوده اند. هر کدام کوهی بدهکاری دارند. قادر به پرداخت اجاره خانه های

کارگران بیمارستان رامتین ۴ ماه است که موفق به دریافت دستمزدهای خود نشده اند. وزارت بهداشت به عنوان سرمایه دار دولتی بیمارستان، کل حقوق ۱۲۰ پرسنل این مرکز درمانی را چهار ماه تمام مصادره کرده است و از پرداخت آن سر باز می زند. رئیس بیمارستان ضمن اعتراف به این مصادره توضیح می دهد که وزارت بهداشت در همه امور

اعتصاب کارگران کارخانه فولاد پاکستان

روی کانون مطبوعاتی کراچی ترتیب دادند. رهبری اتحادیه CBA، به دستور ریاست کارخانه فولاد، بارها تلاش کرد تا راه پیمایی را متوقف نماید، اما کارگران، مصمم به ادامه راه پیمایی بودند. اتحادیه CBA، مایوسانه برای پیدا کردن گزارشگران مطبوعاتی، سفری را به شهر "تته" ترتیب داد؛ شش وسیله نقلیه متعلق به کارخانه و صدها هزار رویه در این سفر خرج شد تا اعتصاب کارگران به بخشی از اخبار روز تبدیل نشود. با این حال کارگران به اعتراض خود ادامه دادند. در تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۹ نیز یک راه پیمایی در "قاضی خدا بخش" صورت گرفت. عبد الغفار باقی، رفیق ظهور مأمون، شاهد بشیر و زبیر باتی، همگی از تشکل خودجوش کارگران روزمزد و قراردادی، رهبری تظاهرات را به عهده داشتند. این فعالین، به صراحت اعلام کردند که آن‌ها به مدیریت اجازه نخواهند داد تا بار دیگر کارگران را فریب دهند؛ به علاوه، اعلام داشتند که چنانچه مطالبات آنان برآورده نگردد، کارخانه را تعطیل خواهند کرد.

برگردان: فعالین "شبکه همبستگی کارگران ایران"

(نقل با اندکی ویرایش و تلخیص)

دسامبر ۲۰۰۹

"فولاد پاکستان"، بزرگ‌ترین کارخانه صنعت فولاد پاکستان است که نقشی کلیدی در اقتصاد کشور بازی می‌کند. تعداد زیادی از کارگران این کارخانه، طی ۲۰ سال اخیر به صورت روزمزدی و قراردادی مشغول به کار بوده‌اند. شرایط کاری آنان، به خصوص در محل ذوب آهن، که دما به ۱۷۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد، وحشتناک است. شرایط کار در سایر قسمت‌ها نیز به اندازه کافی مرگبار است. کارگران روزمزد باید کارهای دشواری مانند جوشکاری، نصب اتصالات، برش‌گاز، تراشکاری و غیره را انجام دهند. یک بار رئیس سابق کارخانه فولاد تأیید کرد که ۷۰ درصد تولید کارخانه به دست کارگران روزمزد و قراردادی صورت می‌گیرد. با وجود تمامی این کارهای سخت، این کارگران از ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی خود هم محروم هستند. حتی حداقل دستمزد، یعنی ۶۰۰۰ روپیه تعیین شده از سوی وزیر کار را هم دریافت نمی‌دارند. وزیر کار بارها وعده داده بود که تا پایان دسامبر ۲۰۰۸، کارگران روزمزد و قراردادی استخدام خواهند شد. در اتحادیه کارگران خلق، CBA در کاخانجات فولاد، در روز ۴ مه ۲۰۰۹ جلسه‌ای برگزار گردید که هدف آن فریب کارگران بود، ترفندی که کارگران با عکس‌العملی شدید به آن پاسخ دادند. اتحادیه، به کارگران اطمینان داد که آن‌ها تا ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹ رسمی خواهند شد، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها محقق نشد و اتحادیه CBA در کارخانه فولاد نیز هیچ‌یک از مطالبات کارگران را برآورده نکرد و نمی‌کند. نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از کارگران، روز ۱۷ اکتبر ۲۰۰۹، راه پیمایی عظیمی را رو به

گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی از یک شبه خونین تهران

مردم در خیابان آزادی تقاطع رودکی ۴ اتومبیل یگان ویژه را به آتش کشیدند. دود تمام خیابان را پر کرده بود. مردم راه را بستند تا ماموران آتش‌نشانی نتوانند آتش را خاموش کنند. نیروهای ضدشورش دوباره با موتور به سمت مردم یورش بردند و مردم را از خیابان آزادی به خیابان‌های فرعی کشاندند. اما باز مردم دست بردار نبودند. خیابان‌های شادمان و آذربایجان ملو از جمعیتی بود که شعار مرگ بر خامنه‌ای، شام غریبان رژیم امشبه، دیکتاتور بدونه به زودی سرنگونه را می‌داد، به طوری که مامورها مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند و برای این که به خودشان قوت قلب بدهند صلوات می‌فرستادند. مسیر آذربایجان به آزادی توسط نیروها بسته شده بود. اما در خیابان کارون جوان‌ها با به آتش کشیدن سطل‌های زباله و هل دادن به سمت نیروها قصد داشتند هر جور که شده مسیر را باز کنند. اینجا خانم‌ها بود که شعار می‌دادند مرگ بر دیکتاتور، حسین حسین شعارش تجاوز افتخارشه، حسین حسین شعارش کهریزک افتخارشه، این ماه ماه خونه سیدعلی سرنگونه. روی تمام کیوسک‌های تلفن مسیر آزادی شعار مرگ بر دیکتاتورخامنه‌ای، مرگ بر خامنه‌ای قاتل نوشته شده بود.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

۷ دی ۸۸

سوارها را ببندند. با جمعیت به سمت نواب حرکت کردیم. تا چشم کار می‌کرد جمعیت بود که شعار می‌داد. تمام مسیرها ی فرعی به سمت آزادی توسط نیروهای ضد شورش و بسیجی‌ها بسته شده بود. جمعیت در تقاطع نواب - آزادی ایستاد و شعار می‌داد. آن قدر جمعیت زیاد بود که موتورسوارها جرات آمدن به طرف مردم را نداشتند و دائماً گاز اشک‌آور می‌زدند تا مردم متفرق شوند. در همین خیابان مردم یک بسیجی را گرفتند و خانم‌ها تا آنجایی که می‌خورد او را کتک زدند و دوباره به سمت آزادی حرکت کردیم. سر تقاطع خوش آزادی دوباره با شلیک گاز اشک‌آور و تیر هوایی مردم را متفرق کردند. درگیری بین مردم و نیروهای ضد شورش بالا گرفت. مردم با سنگ به جان آن‌ها افتادند و ماموران هم گاز اشک‌آور را به طرف مردم پرتاب می‌کردند و جوان‌ها هم همان گاز اشک‌آور را به طرف خود نیروها پرت می‌کردند. پسرها کاغذها را آتش می‌زدند و سیگار روشن می‌کردند و جلوی صورت خانم‌ها و بقیه مردم می‌گرفتند تا گاز اشک‌آور زیاد اذیتشان نکند. مردم در خانه‌هایشان را باز گذاشته بودند تا در صورت حمله نیروها مردم به آنجا پناه ببرند و عده‌ای سرکه و دستمال کاغذی برای استفاده مردم گذاشته بودند. خیابان آزادی و تمام خیابان‌های فرعی پر از سنگ‌هایی بود که مردم نثار نیروها کرده بودند اما لباس شخصی‌ها داخل جمعیت اسپری فلفل می‌زدند. دوباره وارد آزادی شدیم. درست ساعت ۱۳ بود که

از ساعت ۱۰:۳۰ صبح امروز به سمت میدان امام حسین حرکت کردیم. پیاده رو پر از جمعیتی بود که به سمت انقلاب حرکت می‌کرد. سر تمام چهارراه‌ها نیروی انتظامی و بسیج مستقر بودند. سر خیابان رودکی ۳ لباس شخصی ایستاده بودند که یک نفر از جمعیت فیلم می‌گرفت و دو نفر دیگر جوان‌ها (دخترها و پسرها) را به طرفی می‌کشاندند و جیب و داخل کیف آن‌ها را می‌گشتند. در مقابل دانشکده دامپزشکی با جمعیتی که از سمت انقلاب به آزادی می‌رفت یکی شدم دو طرف خیابان و حتی پیاده‌روها پر از جمعیت جوان و پیر و حتی خردسال بود که دست‌ها را به نشانه پیروزی بالا گرفته بود و شعار مرگ بر دیکتاتور، این ماه ماه خونه سید علی سرنگونه، دیکتاتور بدونه به زودی سرنگونه، شام غریبان رژیم امشبه، مرگ بر دیکتاتور، حرکت می‌کرد. به تقاطع آزادی اسکندری که رسیدیم موتور سوارها با شلیک هوایی از پشت حمله کردند. مردم در حالی که شعار مرگ بر دیکتاتور را می‌دادند در خیابان اسکندری پخش شدند و با شعار نترسید نترسید ما همه با هم هستیم دوباره در تقاطع اسکندری - فرصت به هم پیوستند. ساعت ۱۱:۱۰ هلی‌کوپترها بالای سر جمعیت حرکت می‌کردند. اما مردم هو می‌کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور می‌دادند و عده‌ای هم با بوق زدن از مردم حمایت می‌کردند. برای این که موتور سوارها نتوانند از خیابان آزادی بالا بیایند و به جمعیت حمله کنند جلوی یک اتوبوس واحد را گرفتند تا مسیر موتور

شورش مردم سیرجان علیه مجازات اعدام

آنیم که کارگران باید در همه شهرها و استان ها و تمامی نواحی کشور در مقابل مجازات اعدام دست به اعتراض و مخالفت بزنند .

بر اساس گزارش ها، خیزش مردم کارگر و فرودست سیرجان علیه اجرای حکم اعدام با تهاجم نیروهای سرکوب سرمایه رو به رو شده است. به گفته خود این نیروها، علاوه بر محکومان به اعدام، حداقل ۲ نفر دیگر به قتل رسیده اند، ده ها نفر زخمی شده اند و عده زیادی دستگیر و به زندان انداخته شده اند. ما کشتار و بازداشت مردم معترض به مجازات اعدام توسط دولت سرمایه را محکوم می کنیم.

منبع: آژانس ایران خیر

۳ دی ۸۸

بهبانه و دستاویز و دلیلی، هیچ چیز جز جنایت علیه انسان ها نیست. بدیهی است که کسی که مثلا مرتکب قتل شده است باید مجازات شود. اما حتی این فرد قاتل نیز نباید اعدام شود. اعدام نه تنها هیچ کمکی به کاهش قتل و جرم نمی کند بلکه خود بدترین و عامدانه ترین نوع قتل است و به توحش و آدم کشی دامن می زند. حکم اعدام باید به صورت مطلق ممنوع و ملغی شود. از همین رو، شورش متحد مردم سیرجان برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام اقدامی انسانی برای جلوگیری از مرگ دو انسان است که خود نظام سرمایه داری آنان را به مجرم تبدیل کرده است. ما این اقدام را ارج می گذاریم و آن را جرقه ای در فضای کنونی جامعه برای شعله ورشدن مخالفت کل کارگران و فرودستان جامعه علیه مجازات اعدام می دانیم. ما بر

دولت سرمایه داری ایران چند روز پیش اعلام کرد که دو نفر را در شهر سیرجان در ملا عام اعدام خواهد کرد. اما این بار مجازات اعدام با شورش هزاران نفر مردم معترض مواجه شد. انبوه انسان های معترض به محل اعلام شده اعدام یورش بردند و در تدارک جلوگیری از اجرای حکم اعدام بر آمدند. ما در مورد اتهام این محکومان به اعدام چیز زیادی نمی دانیم. اما یک چیز را بسیار خوب می دانیم. اعدام مستقل از این که فرد اعدامی چه کسی باشد، مستقل از این که مجرم باشد یا نباشد و مستقل از این که حدود جرم او چه قدر باشد، در هر حال و در همه حالات اقدامی جنایتکارانه، وحشیانه و ناشی از نهایت ددمنشی و دیوصفتی اعدام کنندگان و نظام اجتماعی صادر کننده حکم اعدام است. اعدام در هیچ کجای جهان، در هیچ شکلی، زیر هیچ نامی، با هر

تعویق دستمزد کارگران در کارخانه آزمایش

کارگران برای انباشت های عظیم تر سرمایه و کسب سودهای نجومی تر به کار گیرند. کارگران خواستار دریافت حقوق های خود هستند.

منبع: ایلنا

۳ دی ۸۸

پیش می کشند و در وهله دوم برای هموارسازی راه خروج انبوه سرمایه های حاصل استثمار و کار کارگران از بانک ها زیر نام وام تلاش می کنند. آنان پرداخت دستمزدها را به گرفتن وام از بانک ها موکول کرده اند تا مثل همه شرکای طبقاتی خود و در پرتو حمایت دولت طبقه خود میلیاردها تومان سرمایه حاصل استثمار کارگران را از بانک ها بیرون کشند و بدون پرداخت ریالی دستمزد به

۱۶۰ کارگر کارخانه آزمایش دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و حقوق ماهانه آنان معمولاً با تأخیرهای طولانی پرداخت می شود. سرمایه داران جدید شرکت مطابق معمول دلیل این کار را کمبود نقدینگی!! و سیاست غلط شرکای پیشین خود اعلام کرده اند. آنان با یک تیر چند هدف می زنند. در وهله اول توجیهی برای مصادره دستمزدها و امتناع خود از پرداخت بهای ناچیز نیروی کار کارگران

تظاهرات اعتراضی همسران کارگران شرکت صنایع اراک

مبارزات قبلی خود آنان است. ۵۰ زن معترض در این اجتماع فریاد می زدند که خودشان و بچه هایشان گرسنه اند و دستمزد شوهرانشان را می خواهند.

منبع: ایلنا

۳ دی ۸۸

ها و تمامی افراد خانواده هایشان در میان گرسنگی و فقر و بیماری و محرومیت از ابتدایی ترین حقوق انسان ها دست و پا می زنند. کارگران خود بارها در مقابل نهادهای دولتی جمع شده اند، تظاهرات کرده اند، راه پیمایی های اعتراضی سازمان داده و به سازمان های مربوطه شکایت کرده اند. اما در هیچ کجا با هیچ گوش شنوایی مواجه نشده اند. تظاهرات اعتراضی همسران این ۲۵۰ کارگر ادامه مستقیم

بیش از ۵۰ نفر از همسران کارگران شرکت صنایع اراک در مقابل استانداری شهر اجتماع کردند و دست به تظاهرات اعتراضی زدند. علت اجتماع و راه پیمایی اعتراض کنندگان تعویق ۵ ماهه دستمزدهای همسران آنان است. ۲۵۰ کارگر در این واحد بزرگ صنعتی کار می کنند و استثمار می شوند اما ۵ ماه است که دستمزدهای آنان به طور کامل توسط سرمایه داران مصادره شده است و آن

دو خبر تحلیلی از «گروهی از فعالان ضدسرمایه داری گیلان»

اما به استناد ماده ۲ قانون کار مصوب سال ۶۹، قانون کار کشاورزی ملغی شد و کارگران کشاورزی که مشمول قانون کار کشاورزی بودند همگی تحت پوشش قانون کار قرار گرفتند .

وی اضافه کرد، شاعلان مشمول مقررات اشتغال مناطق آزاد کشور که تحت پوشش قانون کار نیستند با توجه به ماده ۲ قانون کار مصوب سال ۶۹ مشمول قانون بیمه بیکاری نمی شوند (اطلاعات، ۸۸/۹/۲۸).

چرا «کارگران مناطق آزاد» نباید مشمول بیمه بیکاری شوند؟

محمود نثار حقیقی فرد، معاون موسسه کار و تامین اجتماعی، در گفتگو با ایرنا اعلام کرد:

براساس ماده یک قانون بیمه بیکاری مصوب شهریور سال ۶۹، تمامی مشمولان قانون تامین اجتماعی که تابع کار و قانون کار کشاورزی هستند مشمول قانون بیمه بیکاری می باشند .

طرح کارانه پرستاران با ۶ الی ۱۸ ماه تاخیر، حق لباس، مسکن و حتی اضافه کاری نیز با تاخیر پرداخت می شود، که فشاری مضاعف بر ادامه کاری پرستاری می باشد.

عموماً پرستاران در محیط خطرناک و بحرانی مشغول به کار هستند.

همیشه خطر انتقال و سرایت بیماری های عفونی مانند ایدز، آنفولانزا نوع A، هپاتیت، سل و سایر بیماری های واگیر دار آن ها را تهدید می کند.

بیش از ۷۰٪ از پرستاران با ۱۲ سال سابقه خدمت دچار مشکلات و بیماری های ناشی از شغل مانند بیماری های اسکلتی عضلانی کمردرد و واریس می شوند (اطلاعات، ۸۸/۹/۳۰).

پرستاران به عنوان بخشی از طبقه کارگر همواره تحت ستم و استثمار شدید قرار دارند و در شرایط خطرناک و نالایم کار می کنند.

با آن که دارای تشکلی به اسم «خانه پرستار» هستند اما این تشکل نیز مانند سایر تشکل های دولتی نه فقط قادر به گرفتن خواست های رفاهی و معیشتی پرستاران نیست بلکه به عنوان سدی برای جلوگیری از تحقق این خواست ها عمل می کند. همان گونه که در این خبر آمده است، دبیر کل این تشکل شرایط تحمیلی و کلاهبردانه وزارت بهداشت و درمان نه به نظام استثمارگر سرمایه داری بلکه به «ضعف مدیریت» نسبت می دهد. از نظر ایشان گویا نوعی مدیریت سرمایه داری وجود دارد که با کارگران پرستار ضدیت ندارد و می تواند تصمیماتی به سود پرستاران بگیرد!! باید این توهم مخرب و ویرانگر را که نگاه کارگران را به جای نظام سرمایه داری متوجه بیراهه هایی چون «ضعف مدیریت» می کند برای توده کارگران از جمله کارگران پرستار افشا کرد.

به نظر ما پرستاران نیز همراه با دیگر همزنجیران کارگیشان باید عطای این گونه تشکل های فرمایشی و رهبران توهم پرداز آن ها را به لقاییشان ببخشند و در اندیشه راه اندازی شوراهای ضدسرمایه داری باشند. فقط با قدرت این شوراهاست که کارگران می توانند به مطالبات پایه ای خود دست یابند.

۲ دی ۸۸

قانون کار در تمام دنیا به ویژه در جمهوری اسلامی سند بردگی مزدی طبقه کارگر است و کلیت آن به سود سرمایه داران است و نه کارگران. اما در همین سند بردگی مزدی ممکن است موادی وجود داشته باشد که کارگران آن ها را به زور به سرمایه داران و دولتشان تحمیل کرده اند و اگر طبقه سرمایه دار و دولت او دستشان برسد بی برو برگرد و در اولین فرصت کارگران را از شمول آن ها خارج می کنند. یکی از این مواد، بیمه بیکاری است که، چنان که در خبر فوق می بینیم، دولت سرمایه داری بخشی از کارگران از جمله کارگران مناطق آزاد را از آن محروم کرده است. سوال ما این است که چرا این کارگران نباید تحت پوشش قانون کار قرار بگیرند؟ آیا این ستمگری و زورگویی - که بی تردید بر بستر ضعف و درماندگی و پراکندگی طبقه کارگر ایران صورت گرفته است - هیچ دلیلی جز سودجویی و خون آشامی سرمایه داران و دولت آن ها دارد؟

شرایط تحمیلی و کلاهبردانه برای بازنشستگی پیش از موعد پرستاران

محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار، اعلام کرد پرستاران در بازنشستگی پیش از موعد در محضر متعهد می شوند تا زمان تامین اعتبار وزارت بهداشت پیگیر مطالبات پاداش پایان خدمت خود نباشند.

وزارت بهداشت به برخی از متقاضیان بازنشستگی پیش از موعد پیشنهاد دریافت سهام را در ازای پاداش پایان خدمتشان داده است.

این در حالی است که با تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان بسیاری از وزارتخانه ها از جمله آموزش و پرورش و اقتصاد و دارایی با دریافت پاداش پایان خدمت بازنشسته شده اند. وی ادامه داد: همان طور که می دانیم پرستاران به علت سختی و زیان آور بودن شغلشان برای بازنشستگی مشمول پنج سال بخشودگی می شوند.

البته به علت فراوانی تقاضا برای بازنشستگی پیش از موعد در حوزه بهداشت و درمان کادر درمانی در نوبت بازنشستگی قرار دارد - در حالی که اعتبار این قانون تا سال ۸۹ اعلام شده است.

شریفی مقدم همچنین گفت: کسری بودجه ۱۹۰۰ میلیارد تومانی وزارت بهداشت عاملی برای این تصمیم است که این کسری ها ناشی از ضعف مدیریتی !! در سطح کلان می باشد.

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAANGI.COM

آدرس تماس ما:

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.